

فعل تابع افعال وجهی در زبان سغدی

محمدحسن جلالیان چالشتی*

استادیار فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه تبریز، آذربایجان شرقی، ایران

دریافت: ۹۳/۷/۲

پذیرش: ۹۳/۱۲/۱۸

چکیده

در مطالعه زبان‌های کهن ایرانی، مسائل نحوی از اقبال چندانی برخوردار نیستند و زبان سغدی هم از این مسئله مستثنی نیست. به این دلیل که متون بازمانده سغدی عموماً ترجمه‌هایی از زبان‌های دیگر تشخیص داده شده‌اند، دانشمندان کمتر به بررسی نحوی این متون اهتمام ورزیده‌اند. تعیین میزان تأثیرگذاری زبان‌های مبدأ بر نحو زبان متون سغدی از سویی و وجود تمایز بین گونه‌های مختلف زبانی آن از دیگر سو، خود مسائلی هستند که بدون بررسی نحوی و مقایسه ساختارهای مشابه در این گونه‌های زبانی قابل دسترسی نیستند و این امری است که تاکنون به‌صورت جدی انجام نپذیرفته است. در این نوشتار به بررسی افعال تابع دو وجهی مهم در زبان سغدی پرداخته شده است. این دو فعل $S\cdot C-$ «بایستن» و $k\cdot m-$ «خواستن» هستند. در بررسی‌های پراکنده انجام‌شده در نحو سغدی عموماً تنها به کاربرد آن‌ها با مصدر توجه شده است. این پژوهش نشان می‌دهد که تابع این دو فعل متنوع‌تر از آن است که پیشتر تصور می‌شد. کاربرد با گونه‌های مختلف مصدر و نیز وجوه فعلی مختلف در جملات پیرو، صورت‌های نحوی دیگر این افعال هستند. فعل $S\cdot C-$ در متون غیر بودایی بسامد بسیار محدودتری دارد و تنوع افعال تابع آن نسبت به $k\cdot m-$ کمتر است، اما بسامد کاربرد $k\cdot m-$ در متون بودایی و مسیحی نسبتاً برابر است و امکان مقایسه و بررسی آماری را بیشتر فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی: فعل وجهی، فعل تابع، مصدر مضارع، مصدر ماضی، فعل صرف‌شده.

۱. مقدمه

بررسی دقیق و آماری مسائل نحوی زبان‌های باستانی و میانه ایرانی موضوعی است که تاکنون مجال انجام نیافته است و کتاب‌ها و مقالات تدوین‌شده در مورد دستور این زبان‌ها نیز غالباً به مطالعه کلی و جامع مسائل دستوری آن‌ها پرداخته‌اند. این موضوع در مورد زبان سغدی نیز که به لحاظ کثرت و تنوع آثار باقی‌مانده و اعتبار تاریخی آن - به‌عنوان زبان میانجی جاده ابریشم در زمان اوج شکوفایی و گسترش آن - مهم‌ترین زبان ایرانی میانه شرقی به شمار می‌آید، صادق است. به رغم تصحیح و



ویرایش چندبارهٔ متون بازمانده از این زبان و نگارش چند رساله و مقاله در مورد دستور آن، مطالعات انجام‌شده هنوز از مسائل خطی، آوایی و صرفی، آن هم در حد کلی‌نگری، فراتر نرفته است. با چنین کاستی‌هایی نمی‌توان انتظار وجود تحقیقاتی دقیق در زمینهٔ مسائل نحوی این زبان داشت. نخستین اثری که تا حدی می‌توان در آن برخی موضوعات نحوی زبان سغدی را یافت، رسالهٔ دکتر یوستن است که به مقایسهٔ برخی از نکات نحوی سه زبان سغدی، ختنی و فارسی دری پرداخته است (Vide. Heston, 1976). دومین اثری که در آن مباحث مربوط به نحو زبان سغدی مطرح شده، نگاشتهٔ یوشیدا است که به گونه‌ای مختصر نگاهی کلی به نحو این زبان افکنده و به ضرورت اختصار، تنها به طرح برخی موضوعات نحوی پرداخته است (Vide. Yoshida, 2009).

در نوشتار حاضر به بررسی انواع صورت‌های افعال تابع دو فعل وجهی در زبان سغدی پرداخته شده است. این دو فعل وجهی s^c - و k^m - هستند. در مورد افعال تابع این دو فعل پیشتر نظراتی ارائه شده است. دو پرسشی که در این پژوهش مورد نظر است این است که:

الف. آیا آنچه محققان در مورد چگونگی افعال تابع این دو فعل بیان کرده‌اند، بیانگر تمامی واقعیاتی است که از بررسی متون برمی‌آید یا می‌توان از متون موجود علاوه بر آنچه محققان ذکر کرده‌اند، نمونه‌هایی به دست آورد؟

ب. آیا می‌توان با بررسی این افعال در گونه‌های مختلف زبانی سغدی در کنار مسائل آوایی، صرفی و واژگانی، وجه تمایز دیگری در بین این گونه‌ها یافت؟

۲. پیشینه و شیوهٔ تحقیق

در دو اثری که در بالا ذکر شد، به چگونگی افعال تابع این دو فعل پرداخته شده است. هستن کاربرد s^c - را تنها با مصدر ماضی دانسته و در مورد k^m ، علاوه بر مصدر، به کاربرد فعل تابع در جملهٔ پیرو نیز اشاره کرده است؛ هرچند آن را نادر برشمرده است. یوشیدا کاربرد هر دو فعل را تنها با مصدر دانسته و به امکان باهم‌آیی این افعال با جملهٔ پیرو هیچ اشاره‌ای نکرده است.

در پژوهش حاضر پس از استخراج تمامی موارد کاربرد این دو فعل در امّهات متون سغدی و بررسی و تعیین صرف‌های مختلف افعال تابع، اقدام به ارائهٔ دسته‌بندی انواع آن شده است. متون مورد بررسی در این پژوهش به ترتیب سال انتشار به قرار زیر هستند:

۱. متون سغدی (۱) (Vide. Müller, 1912)؛ ۲. متون سغدی (۲) (Vide. Müller & Lentz, 1934)؛ ۳. یک کتاب مانوی شامل دعا و استغاثه (Vide. Henning, 1937)؛ ۴. متون سغدی (Vide. Benveniste, 1940)؛ ۵. وسنتره‌چاتکه (Vide. Benveniste, 1946)؛ ۶. پژوهش‌هایی در متون سغدی مسیحی (Vide. Schwartz, 1967)؛ ۷. سوترای علّت و معلول اعمال به زبان سغدی (Vide. ...)

۸. متون سغدی بودایی کتابخانه بریتانیا (Vide. MacKenzie, 1976); ۹. یک کتاب تمثیلی سغدی مانوی (Vide. Sundermann, 1985); ۱۰. دستنویس سغدی مسیحی C2 (Vide. Sims-Williams, 1985); ۱۱. اسناد سغدی آسیای میانه و سمیرچیه (Vide. Livšič, 2008). بسیاری از متون سغدی دیگر نیز در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند که به دلیل عدم کاربرد این دو فعل در آن‌ها و نیز پرهیز از طولانی‌شدن مطلب به ذکر نام آن‌ها نمی‌پردازیم. گفتنی است تلاش شده است تا حد امکان تمامی نمونه‌های موجود از کاربرد این دو فعل، از متون استخراج شود و از جملاتی که ریختگی‌ها و افتادگی‌ها امکان دستیابی به ساختار جمله را غیر ممکن می‌ساخت نیز صرف‌نظر شده است. به دلیل شباهت و یکسانی بسیاری از جملات نیز از آوردن همه شواهد خودداری و تنها به ارائه نمونه‌ها اکتفا شده است.

از آنجا که بسامد کاربرد فعل s^c در متون مسیحی نسبت به متون بودایی بسیار محدودتر است، مقایسه آماری انواع افعال تابع این فعل در این دو دسته از متون سغدی نتیجه دقیقی دربرنخواهد داشت؛ بنابراین در مورد این فعل تنها به دسته‌بندی و ارائه شواهدی از انواع صورت‌های فعلی به‌کاررفته با آن پرداخته خواهد شد. اما کاربرد فعل k^m در هر دو دسته از متون، بسامد نسبتاً برابری دارد و مقایسه آماری می‌تواند حاوی نتایج معناداری در شناخت یکی دیگر از وجوه تمایز زبانی متون مسیحی سغدی در برابر متون بودایی سغدی باشد.

۳. s^c -

s^c - از مهم‌ترین افعال وجهی زبان سغدی است و بیانگر الزام و اجبار است. این فعل دارای صرف ناقص است، بدین معنا که همواره به‌صورت سوم شخص مفرد ظاهر می‌شود. عامل فعل تابع این فعل معمولاً ضمیر منفصل یا متصلی است در حالت غیر فاعلی^۱ (Heston, 1976: 213; Yoshida, 2009: 312) و در صورت عدم حضور عامل، جمله معنای عام و غیر شخصی^۲ دارد. این فعل در معنای «بایستن» گاه به‌صورت فعل تام^۳ نیز کاربرد دارد، اما اغلب کاربردهای آن به‌صورت فعل وجهی است. قاعده کلی این است که فعل تابع این فعل به یکی از دو روش زیر پس از آن قرار گیرد:

الف) به‌صورت مصدر مضارع یا مصدر ماضی^۴ بدون فاصله یا با فاصله پس از s^c . وابسته‌های مصدر ممکن است پیش از s^c قرار گیرند و یا بین s^c و مصدر فاصله ایجاد کنند. در جملات حاوی دو یا چند مصدر تابع، امکان وقوع هر دو مصدر مضارع و ماضی به‌صورت همزمان وجود دارد. ب) به‌صورت فعل صرف‌شده در یکی از وجوه التزامی^۵ و تمنایی^۶ در جمله پیرو. در این صورت جمله پیرو با یکی از حروف ربط (ZY و PZY) در متون بودایی، ty در متون مانوی و qt در متون مسیحی آغاز می‌شود. موارد استثناء در ادامه مقاله خواهد آمد.



۳-۱. فعل تابع به صورت مصدر مضارع ظاهر شده است:

P2.14-15: rtyšy (pers. pron. 3 sg. obl.) s'št cnn 'krt'nyh zw'rty (pres. inf. of zw'rt-)

او باید از کار ناصواب روی بگرداند (Benveniste, 1940: 4).

Dhy 11-12: rtyšy (pers. pron. 3 sg. obl.) s'ct wyrnny wy'ky 'skw'y (pres. inf. of 'skw-)
rty 'nwšt'w n'mcy βwδh swc'y

او باید در جایی آرام بماند و همه بوی‌های نامی را بسوزد (MacKenzie, 1976: 54-55).

Dhy 23-25: rty kδ p'zn wyc't f' pw'yc't rty šy (pers. pron. 3 sg. obl.) s'ct ZK zβ''k
'syw'y'y (pres. inf. of 'syw'y-) 'sky k'kyh ptšty'y (pres. inf. of ptšty-) 'PZY ZKw kwc'kh 't
cšmw mytk δ'r'y (pres. inf. of δ'r-)

اگر ذهن بلرزد یا آشفته گردد او باید زبان را بلند کند [و] در کام دهان قرار دهد و دهان و چشمان

را بسته دارد (Ibid).

Dhy 66-71: rty šy (pers. pron. 3 sg. obl.) tymn s'ct prw kwzp'w'y 'ntwys'y (pres. inf. of
'ntwys-) rty wβyw βwδh nyδβ'yz'y (pres. inf. of nyδβ'yz-) 'PZY 'sprym'y δr'š'y (pres. inf.
of δr'š-) 't ZKw 'stwpw pr'wp'y (pres. inf. of pr'wp-) 't z'yh δ'w'y (pres. inf. of δ'w-) of 'PZY
'wyn pwrskty sn'm δβr'y (pres. inf. of δβr-) 'PZYms 'wyn m'tyh 'BY' <mwck> 'tn γwštk
ZKw γr'yw prsm'y (pres. inf. of prsm-) 't 'rwynt'y (pres. inf. of 'rwynt-) 'PZY šn sn'y'y
(pres. inf. of sn'y-) 't sm''δn wn'y (pres. inf. of wn-) 'PZYšn ZKw p'δt 'nδ'w'y (pres. inf. of
'nδ'w-) rty prw ctβ'r kyr'n pyntp'tw wn'y (pres. inf. of wn-).

پس او باید مشتاقانه بکوشد و هم بوی‌ها بسوزد و هم سپرغم برافشاند و معبد را بروید و زمین را

بینداید و انجمن راهبان را استحمام کند (همان‌گونه که) مادر و پدر و [آموزگار] و سرور را، تن ایشان

را بمالد و برانگیزد و آن‌ها را بشوید و روغن بمالد و پای آن‌ها را بمالد و بر چهار کران درخواست

صدقه کند (Ibid: 56-59).

در این مثال دوازده فعل مشخص شده همگی مصدر مضارع و تابع s'ct هستند.

STii 6.35: 'tms ny s'št pr γnt'qryt qyn d'r (pres. inf. of d'r-).

نباید نسبت به گناهکاران کینه داشت (Müller-Lentz, 1934: 36).

STii 8.5: s'št r'm'nt prymyδ frynh 'p'y'y (pres. inf. of 'p'y-).

باید همیشه بدین‌گونه توجه کرد (Ibid: 46).

۳-۲. فعل تابع به صورت مصدر ماضی آمده است:

P2.15-16: rty wyspny w'tδ'rty 'pw pckwyr' s'št krt'y (past inf. of krt) cnn mrcyh

همه جانداران را باید از مرگ بی‌بیم کرد (Benveniste, 1940: 4).

P2.62: L' s'št ptγwsty L' s'št ZKw y'tk γwrt (past inf. of γwrt)

نباید کشتار کرد و نباید گوشت خورد (Ibid: 6).

VJ 211: rty 'γw c'n'kw s'ct 'krt'y (past inf. of 'krt)

با او چه باید کرد (Benveniste 1946: 16; قریب ۱۳۸۳: ۶۷).

VJ 256-258: βγ' γwt'w 'γw wyspyδr'k ZY L' s'ct ptγwsty (past inf. of ptγwst)

ای سرور و ای خداوند! شاهزاده را نباید کشت (Ibid: 18؛ همان: ۶۸).

MSP, b 175: rtms myδ s'st (m)[wrtv] (past inf. of mwrt)

پس چنین باید مُرد (Sundermann, 1985: 31).

MDii, B 17,18-19: rtkδ (w)'nkw w'xrš 't ZY mn' (pers. pron 1 sg. obl.) trts'r s'c't k'm 'wxšt (past inf. of 'wxšt)

اگر چنین بلایی باشد، من باید به آنجا پایین بروم (Livšic, 2008: 128).

MDii, Nov 1v1-4: cw ZKn βγγ (x)wβw w'γ-wncn prm'nh 'skw't ky-ZY βγ mn' (pers. pron 1 sg. obl.) βntk mrtv s'c't ptwšty (past inf. of ptwšt) rtβy prm'y nšt't ZY-βγ ZKwh βγγ <prm'nh> prw srw pcyrβ'n.

اگر فرمان آن سرور و خداوند چنین باشد که من بنده مرد باید بشنوم پس بفرمای دستور دادن تا

من فرمان آن سرور را بر سر پذیرم (Livšic, 2008: 111; Heston, 1976: 213).

STi 57.16: 't pr[ymyd] fryn s'[št] [m']t (past inf. of m't).

و بدین‌گونه باید بود (Müller, 1912: 57).

۳-۳. در مواردی افعال تابع به‌صورت مصدر ماضی و مضارع بدون تقدّم در قرارگیری، در کنار هم آمده‌اند. به‌کاررفتن همزمان و به‌ویژه عدم ایجاد تمایز در تقدّم و تأخّر مصدرهای ماضی و مضارع تنها می‌تواند نشان‌دهنده برخورد یکسان و بی‌تمایز با این دو گونه مصدر در این ساخت باشد.

Padm 28-30: rtšy prymyδ ywk' s'ct ZK pyr δryty (past inf. of δryt) ZY pr wyspw w'tδ'r ZKw z'ry m'n wn'y (pres. inf of wn-) rty przy'm ZKw δβnh L' 'ny'yz'y (pres. inf of 'ny'yz-).

باید که بدین آموزه ایمان داشته باشد و بر همه جانداران رحمت آورد و هرگز تردیدی نیانگیزد

(MacKenzie, 1976: 14-15).

Dhy 78-79: rtyšy (pers. pron. 3 sg. obl.) s'ct 'rnh 'nz'n'y (pres. inf of 'nz'n-) 't 'yγn'm 'ywshty (past inf. of 'ywsht).

او باید به گناهانش اعتراف کند و درخواست بخشایش کند (Ibid: 58-59).

۳-۴. در شواهدی فعل -s'c- به همراه جمله پیرو آمده است. چنان‌که پیشتر اشاره شد، یوشیدا (Vide. 2009: 312) اشاره‌ای به این گونه ساختار نکرده است و تنها قائل به کاربرد آن با مصدر شده است. هستن نیز کاربرد با جملات پیرو را در مورد این فعل نادر برشمرد است (Heston, 1976: 213). در این ساختار جمله پیرو با یکی از حروف ربط ZY و PZY (در متون بودایی)، ty (در متون مانوی) و qt (در متون مسیحی) آغاز می‌شود. فعل تابع در این ساختار در یکی از وجوه تمنایی و التزامی ظاهر می‌شود.

۳-۴-۱. فعل تابع در جمله پیرو در وجه تمنایی است:

Dhu 22-23: rty nwkr šm'γw (pers. pron. 2 pl.) pwtystft s'ct 'PZY pr'ym'yδ wkry šw'yšδ' (opt. 2.pl. of šw-).



اکنون شما بوداسف‌ها باید بدین گونه رفتار کنید (MacKenzie, 1976: 34-35).

Dhu 91-92: rtyβn (encl. pers. pron. 2 pl. obl.) s'ct 'PZY šw pr wyzrw p'zn ny'wšyδ (opt. 2 pl. of ny'wš-).

شما باید با دلی درست بدین گوش کنید (Ibid: 38-39).

Dhu 165-166: rty ms ZK (article sg. masculine nom. instead of obl.) δ'w-t' šm'ny pyrm s'ct 'PZYn ZKw p'zny 'spy 'βs'cy (opt. 3 sg. of 'βs'c-).

و نیز شَمَن دِهوتِه باید نخست اسب ذهن را رام کند [متن: تعلیم دهد] (Ibid: 42-43).

مکنزی 'βs'cy را مصدر مضارع دانسته است (Ibid: 147)، اما با توجه به این‌که این فعل در جمله

پیرو واقع شده است، باید صورت صرف‌شده باشد نه مصدر.

STii 6.35-36: p' w'nw s'st qt pr wyšnt cwpr y'n xwžym (opt. 1 pl. of xwž-) cn by'

بلکه چنین باید که از خداوند بر ایشان عطا خواهیم (Müller-Lentz, 1934: 46).

C2, 31r5: yd 'yšt ms ny (z)γ'm 'xst s'st qt zyrtyt bynt (passive opt. 3 pl. of zyrtyt)

حتی نباید این چیزها «مجادله» خوانده شوند (Sims-Williams, 1985: 70).

۲-۳. فعل تابع که در جمله پیرو در وجه التزامی آمده است. تنها شاهد این ساختار مربوط به

متون مانوی است:

BBB, f 12-15: 'rtkδ' cywyδ γytr 'yδc δβyš 'ys't 'rtšw (encl. pers. pron. obl.) w'nw s'st 'ty w' tmb'r prw rw'n fny't (subj. 3 sg. of fny-) 'ty w' cxš'pt ny 'nxw'yt⁸ (subj. 3 sg. of 'nxw'y-).

اگر پس از آن آسیبی برسد باید تن را فدای روان کند و از آیین سرپیچی نکند (Henning, 1937:)

(49).

۳-۵. در پنج شاهد که چهار تا از آن‌ها از *وستنره‌جاتکه* و یکی از متن دوم *متون سغدی* پاریس است،

به‌رغم حضور حرف ربط (P)ZY فعل تابع به‌صورت مصدر ظاهر شده است. در چهار مورد تنها فعل

تابع مصدر ماضی است، اما در یک مورد که افعال تابع بیش از یک عدد هستند نخستین، مصدر ماضی

و مابقی مصدر مضارع‌اند:

VJ 238-239: w'n'kw w'β s'ct 'PZY šy βγ' ZKn t'yh pwš γwn'kt cšmt' knt (past inf. of knt)

چنین گفت: باید ای سرور، چشمان دزد لجباز او را کند (Benveniste, 1946: 17-18); قریب،

۱۳۸۳: ۶۸).

VJ 242-243: KZNH w'β s'ct 'PZY šy ZNH δst' 'pywsty (past inf. of 'pywst)

چنین گفت: باید دست‌های او را برید (Ibid: 18); همان).

VJ 245-246: KZNH w'β s'ct ZY šy βγ' ZKH p'δt pyw'sty (past inf of pyw'st)

چنین گفت: باید ای سرور، پاهای او را قطع کرد (Ibid: همان).

VJ 249-251: KZNH w'β s'ct ZYšy βγ' pr RBk r'δh pr ptš'nh 'wst't (past inf. of 'wst't)

rtyšw 'M p'δδty βr'γšy (pres. inf. of βr'γš-) rty šw cnn pry'nh pryt'm 'zw'nh pr'c'k wn'y (pres. inf. of wn-)

چنین گفت: باید ای سرور، در بزرگراه او را بر دار کرد و بدن او را با پیکان‌ها سوراخ نمود (*Ibid*: همان).

P2.218-219: rty Zk 'wzy'n s'št 'PZY 'wywrt (past inf. of 'wywrt)

باید کشتار را ترک کرد (Benveniste, 1940: 13).

۴. k'm-

این فعل که امکان بروز به صورت فعل تام و فعل کمکی در ساخت فعل آینده را نیز دارا است، همزمان به عنوان فعل کمکی وجهی در مفهوم خواست و آرزو نیز کاربرد دارد. تفاوت عمده این فعل با s'c- به لحاظ ساختاری در این است که برخلاف s'c- این فعل صرف کامل دارد و منطبق با فاعل صرف می شود. فعل تابع k'm- نیز همانند آنچه در مورد s'c- گفته شد به دو صورت مصدری یا فعل صرف شده در جمله پیرو ظاهر می شود. هرچند هستن (2009) کاربرد k'm- با جمله پیرو را نادرتر از کاربرد آن با صورت مصدری دانسته است، شواهد موجود از متون مسیحی آشکارا تفوق کامل بسامدی این ساخت را در این دسته از متون نشان می دهند. اما در متون بودایی بسامد کاربرد با مصدر چشم گیرتر است.

۴-۱. فعل تابع به صورت مصدر ماضی آمده است:

در میان متون تنها سه مورد یافت شد که فعل تابع به صورت مصدر ماضی آمده است، اما از این سه شاهد، دو مورد محل اختلاف دانشمندان است. در زیر ابتدا تنها شاهد مورد یقین آورده می شود و سپس دو نمونه مورد اختلاف ارائه خواهند شد:

C2, 40v15: 't q'mntq' nyt (past inf. of nyt) qt šw xwž'nt.

می خواهند آن (= روان) را بگیرند تا مؤاخذه اش کنند (Sims-Williams, 1985: 81).

BSTi, 879.7: ny yrb'msq qt qw s' q'm'znt yty.

نمی دانم به کجا می خواستند بروند (Benveniste, 1955:307; Schwartz, 1967: 6; *Ibid*: 161).

بنونیسست (*Ibid*) yty را معادل ytty در سطر ۳۱۴ و سنتره جاتکه دانسته است: VJ 314-315: rty

mn' s'ct k'm ytty cnn yr' 'kw yrw برای فعل yt- ذکر کرده است: یکی این که همانند آنچه در ماده ماضی niž(i)t آمده، این صورت هم ماده ماضی از ایرانی باستان ita- باشد. او احتمال داده است که ytty در و سنتره جاتکه نیز مصدر ماضی از همین صورت باشد. دومین احتمالی که او مطرح کرده منتج از جمله kw tmw yt'ty «به دوزخ خواهد رفت» است که در آنجا ظاهراً yt'ty چیزی غیر از فعل مضارع التزامی سوم شخص مفرد نمی تواند



باشد و در نتیجه، yt- ماده مضارع است (Gershevitch, 1954: 539). هنینگ این فعل را حاصل از ریشه اوستایی yat- دانسته است (apud Gershevitch). بر این اساس گرشویچ این احتمال را نیز که ytty در *وستتره‌جاتکه* مصدر مضارع باشد، مطرح کرده است. یوشیدا yty در جمله مورد بحث را مصدر مضارع دانسته است (Yoshida, 1979: 189). اما سیمز- ویلیامز مورد نخست پیشنهادی گرشویچ، یعنی مصدر ماضی بودن yt(t)y را در هر دو متن پذیرفتنی می‌داند (Sims-Williams, 1985: 164, note 7).

SCE 147-148: rty γwny ZKZY r'm'nt k'mt 'w γnt'kk δr'w βrt rty cywty 'z'yt.
آن‌کس که همواره دوست دارد خبرهای بد ببرد، جغد زاده می‌شود (Gauthiot & et.al, 1926: 8; MacKenzie, 1970: 22-23).

گوئیو و همکاران βrt را فعل مضارع اخباری سوم شخص مفرد دانسته‌اند (Gauthiot & et.al, 1928: 73). مکنزی نیز با پذیرفتن همین نظر تمایزی معنادار در ترجمه این جمله که آن را به صورت likes bearing ترجمه کرده، با تمامی جملات این متن که شامل k'm- و مصدر مضارع هستند قائل شده است. او این ساختار اخیر را همه‌جا به صورت Likes to... ترجمه کرده است. هستن با توجه به این مسئله که βrt در ساخت امکانی در سطر ۳۱۱ متن *وستتره‌جاتکه* جزء اول ساخت واقع شده است، در اینجا نیز مصدر ماضی را پذیرفتنی‌تر دانسته است (Heston, 1976: 243). یوشیدا با این استدلال که βrt در جمله P7.178: 'δcw z'ry L' s'st βrt «هیچ غم نباید خوردن» تابع s'st شده است و نیز بدین دلیل که جملات پیرو عموماً با w'n'w یا KZNH آغاز می‌شوند، نظر مکنزی را قویاً مردود و βrt را مصدر ماضی دانسته است (Yoshida, 1979: 182).

۲-۴. فعل تابع به صورت مصدر مضارع آمده است:

در متن *سوترای علت* و معلول اعمال، جز یک مورد که در بالا ذکر شد، k'm- به عنوان فعل وجهی در هشت نمونه باقیمانده همواره همراه مصدر مضارع آمده است. در متون سغدی پاریس از دو موردی که k'm- به عنوان فعل وجهی آمده، یکبار با مصدر مضارع و یکبار با وجه التزامی به کار رفته است. در متون بودایی کتابخانه بریتانیا نیز این فعل وجهی دوبار با وجه التزامی و دوبار با مصدر مضارع همراه شده است. اما از مجموع پانزده نمونه کاربرد این فعل در متون مسیحی به صورت فعل وجهی، در هیچ مورد با مصدر مضارع به کار نرفته است، بلکه تنها یکبار با مصدر مضارع همراه (pr + pr inf. present) آمده است. این تفاوت در بسامد کاربرد مصدر مضارع به همراه فعل وجهی k'm- بین متون بودایی و مسیحی می‌تواند از جوه تمایز نحو این دو گونه زبان سغدی به شمار آید.

SCE 56-57: rtyms 'sty ZKZYn ZKw δrm'yk w'γš k'mtt nγ'wšy (pres. inf. of nγ'wš-).

و نیز هست کسی که می‌خواهد که کلام قانون را بشنود (MacKenzie, 1970: 4-5).

SCE 303-3-4: 'PZY 'wy 'yw wy''ky L' k'mt 'skwy (pres. inf. of 'skw-).

و نمی‌خواهد در یک‌جا بماند (*Ibid*: 18-19).

P2.779-781: rtyšn ms kδ' 'γw ptγwyn'k w'tδ'r ZKwh CWRH wynt rtšn k'mt γwr'y (pres. inf. of γwr-)

هنگامی‌که آن کشنده پیکر را ببیند می‌خواهد آن را بخورد (Benveniste, 1940: 38).

Dhy 29: rty 'ky prw ptβr'wš k'm't šm'r'y (pres. inf. of šm'r-).

آن‌که می‌خواهد [آن را] واژگون ببندیشد (MacKenzie, 1976: 54-55).

Dhu 274-275: ywn'yδ δynδ'r k'mt nyzy'y (pres. inf. of nyzy-).

فوراً دیندار می‌خواهد که [از خانه] بیرون آید (*Ibid*: 48-49).

مکنزی nyzy'y را فعل تمنّایی سوم شخص مفرد دانسته است (*Ibid*: 117)، حال آن‌که سایر

شواهد این دسته و نیز عدم حضور حرف ربط تردیدی در نادرست بودن این نظر باقی نمی‌گذارد.

STii 6.15-16: cw qt'rt qw wyšnt s' qy q'mynt pr ptxw'y (pr inf. of ptxw'y-) wny.

چه کرد با کسانی‌که می‌خواستند او را بکشند (Müller-Lentz, 1934: 35; Yoshida, 1979:)

(190; Idem, 2009: 213).

۳-۴. فعل تابع به‌صورت فعل صرف‌شده ظاهر شده است:

شواهد موجود حاکی از کاربرد وجوه التزامی، تمنّایی و غیر محقق^۴ در جملات پیرو هستند. در این بیشترین بسامد کاربرد با وجه تمنّایی و کمترین، از آن وجه نامحقق است. جالب این‌که وجه تمنّایی و تنها نمونه وجه غیر محقق در این کاربرد، فقط در متون مسیحی دیده می‌شود و در متون بودایی تنها از وجه التزامی استفاده شده است.

۱-۳-۴. فعل تابع در وجه تمنّایی است:

از پانزده نمونه موجود از این ساخت در متون مسیحی، نه مورد با فعل تابع در وجه تمنّایی ظاهر شده است:

C2, 57v28: (q'm)ysq nwqr 'y ptγw(š)n' (q)t γrbγ (opt. 3 sg. of γrb-) by'nyq šyr'qt(y)'

اکنون می‌خواهی ای نیوشا که رحمت الهی را دریابی؟ (Sims-Williams, 1985: 121)

C2, 94r23: c'(nw q)'m'z (q)t ptγwšty š(wy) (opt. 3 sg. of šw-).

چنین می‌خواست که پنهان برود (*Ibid*: 166).

C2, 94r25-26: 't c'n(w) xw q'm w'n qt pryžy (opt. 3 sg. of pryž-) cn γwbty' f(y)'tr γwbty (b)'

چون می‌خواست که از احترام بگریزد، بیشتر تکریم کرده شد (*Ibid*).

۲-۳-۴. فعل تابع در وجه التزامی است:

پنج نمونه از این ساختار در کل متون بودایی و مسیحی به دست آمد. از این شمار، سه مورد از متون،

بودایی و دو مورد از متون مسیحی است:

P2.1213-1214: 'ky KZNH k'm't 'PZY cnn wyspn'c 'βz' βwys'n (subj. 1 sg. of βwys-)



آن کس که چنین بخواهد که از تمامی بدی‌ها رهایی یابم ... (Benveniste, 1940: 57).

Dhy 261: KZNH k'm'nt 'PZY 'nyz'ym (subj. 1 pl. of 'nyz -).

چنین خواستند که «برخیزیم» (MacKenzie, 1976: 68-69 & 81).

STii 7.22-23: w'n'kw k'm'nt m'd ZY 'ny ''δ'k ZKw kr''n ''mtyc nšk'rt γrβ'nt (subj. 3 pl. of γrβ-).

می‌خواهند که دیگران تفسیر راست و ناب را دریابند (Müller-Lentz, 1934: 42).

STii 1.21: q'md'rnt qt 'zbdnt (subj. 3 pl. of 'zbd -).

خواستند که بگذرند (Ibid: 14).

C2, 104r9: xyd (qy ny q'm)d(')rm qt (qr)wšn (subj. 1 sg. of qrwš-) pr (p)wst(w).

آن [بدکاری] که نمی‌خواهم در کتاب شرح دهم (Sims-Williams, 1985: 172).

۳-۳-۴. فعل تابع در وجه نامحقق است:

از این نمونه تنها یک شاهد و آن هم در متون مسیحی یافت شد:

C2, 60r21-22: n' q'm xw byy qt šw 'ntwxn'q wnwty (irrealis, 3 sg. of wn-).

خداوند نخواست که او را اندوهگین کند (Ibid: 127).

از آنجا که بسامد کاربرد وجهی فعل k'm- در متون بودایی و مسیحی بسیار نزدیک است، امکان

مقایسه و ترسیم جدول آماری برای صورتهای کاربرد فعل تابع در این دو دسته از متون وجود دارد:

جدول ۱

Table 1

Par + مصدر مضارع	غیر محقق	التزامی	تمنایی	فعل صرف‌شده	مصدر ماضی	مصدر مضارع	k'm- به عنوان فعل وجهی	
۱	۱	۶	۹	۱۶	۳	۱۱	۳۱	بسامد در مجموع متون
۰	۰	۴	۰	۴	۱	۱۱	۱۶	بسامد در متون بودایی
%۰	%۰	%۶۶.۶۶	%۰	%۲۵	%۳۳.۳۳	%۱۰۰	%۵۱.۶۱	درصد در متون بودایی

ادامه جدول ۱

Table1

مصدر مضارع	Par + مصدر مضارع	غیر محقق	التزامی	تمنایی	فعل صرف شده	مصدر ماضی	مصدر مضارع	k'm- به عنوان فعل وجهی	
۱	۱	۱	۲	۹	۱۲	۲	۰	۱۵	بسامد در متون مسیحی
٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۳۳.۳۳	٪۱۰۰	٪۷۵	٪۶۶.۶۶	٪۰	٪۴۸.۳۸	درصد در متون مسیحی

چنان که از جدول بالا برمی آید، بسامد کاربرد k'm- در متون بودایی و مسیحی تقریباً برابر است (به ترتیب ۱۶ و ۱۵). از این میان آنچه دارای بیشترین و معنادارترین تفاوت است، کاربرد صددرصدی فعل تابع به همراه مصدر مضارع در متون بودایی از یازده شاهد موجود است. در درجه دوم، اهمیت کاربرد صددرصدی فعل تمنایی در متون مسیحی از نه مورد کاربرد است؛ این بدان معنا است که در ۶۴/۵۱٪ شواهد موجود تفاوت در فعل تابع قطعی است.

۵. نتیجه گیری

براساس آنچه در بالا آمد، می توان چنین نتیجه گرفت که نظر محققان پیشین در مورد کاربرد محض دو فعل وجهی s.c- و k'm- با مصدر، تنها بیانگر بخشی از واقعیت برآمده از بررسی شواهد موجود در متون سغدی است. فعل s.c- علاوه بر مصدر به همراه جمله پیرو با افعال تمنایی و التزامی نیز همراه شده است. این نکته که فعل التزامی در این ساخت تنها در متون مانوی به کار رفته و در هیچ متن بودایی یا مسیحی دیده نمی شود، حائز اهمیت است و این مسئله که کاربرد فعل تمنایی نیز در جملات پیرو، برخلاف فعل التزامی، مختص متون بودایی و مسیحی است، اهمیت این موضوع را به لحاظ ایجاد تمایز بین زبان به کاررفته در متون مانوی، در تقابل با زبان متون بودایی و مسیحی، پررنگ تر می کند. عدم کاربرد مصدر مضارع به همراه فعل k'm- در متون مسیحی در برابر عدم وجود نمونه ای از کاربرد فعل تمنایی و نامحقق به عنوان تابع این فعل در متون بودایی نکاتی هستند که به توضوح تفاوتی آشکار در این ساختار را بین زبان متون سغدی مسیحی و سغدی بودایی نمایان می کنند.

در زمانی هنینگ تفاوت های میان لهجه های سغدی را نه تفاوت حاصل از بُعد جغرافیایی، بلکه نشان دهنده لایه های تحولی یک گویش واحد و یا موقعیت های اجتماعی متفاوت گویشوران جامعه سغدی دانست (Henning, 1958: 105ff.; Sims-Williams, 1989: 173; Yoshida, 1979: 194).



از آن زمان تاکنون جز تحقیق و تتبع در مسائل خطی-آوایی و واژگانی و صرف تلاشی جدی در تعیین وجوه تمایز و افتراق این گونه‌های مختلف زبانی پژوهشی انجام نگرفته است. ازاین‌رو، بررسی دقیق مسائل نحوی جهت تعیین دقیق میزان ارتباط سه گونه عمده این زبان و نیز میزان تأثیرپذیری زبان متون بازمانده سغدی از زبان‌هایی که اغلب این آثار از آن‌ها ترجمه شده‌اند، ضروری است.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. oblique case
2. impersonal
3. finite verb
۴. برای مطالعه در مورد انواع مصدر در زبان سغدی، رک. Gershevitch 1954: §§ 905-934; Yoshida 1979.
۵. subjunctive: یکی از وجه‌های فعل که بر مفاهیمی چون عدم قطعیت، تردید، احتمال و امکان وقوع فعل دلالت دارد.
۶. optative: یکی از وجوه فعل که بر مفاهیمی همچون آرزو، دعا، درخواست دلالت دارد.
۷. در مورد برداشت معنای مجهولی از دو جمله اخیر رک. Heston, 1976: 213.
۸. هنینگ این واژه را صورت مغلوط 'nxw'y't دانسته است (Henning, 1937: 49, footnote 15).
۹. irrealis: یکی از مفاهیم وجهی که بر غیر واقعی بودن، فرضی بودن یا نادرست بودن گزاره دلالت دارد.

۷. منابع

- قریب، بدرالزمان (۱۳۸۳). *روایتی از تولد بودا* (متن سغدی و سنتره‌جاتکه). تهران: اسطوره.
- Benveniste, E. (1940). *Textes Sogdiens. Edités, Traduits et Commenté*. Paris: Librairie Orientaliste Paul Geuthner.
- ----- (1946). *Vessantara Jātaka, Texte Sogdien. Édité, Traduit et Commenté*. Paris: Librairie Orientaliste Paul Geuthner.
- ----- (1955). "Études sur quelques textes sogdiens chrétiens I". *JA*. 243. Pp. 298-335.
- Gauthiot, R.; P. Pelliot & E. Benveniste. (1926 & 1928). *Le Sūtra des Causes et des Effets II-III*. Paris: Librairie Orientaliste Paul Geuthner.
- Henning, W. B. (1937). *Ein Manichäisches Bet-und Beichtbuch*. Berlin: Verlag der Akademie der Wissenschaften.
- ----- (1958). "Mitteliranisch". *Handbuch der Orientalistik*. ed. By B. Spuler. Abt.

1. Band 4. Iranistik. Linguistik. Leiden-Köln. Pp. 20-130.
- Livšic, V. (2008). *Sogdiyskij Epigrafika Sryedney Azii I Semirečiya. Sankt-Pyetyerburg. Filologičeskiy Fakul'tet Sankt-Pyetyerburgkogo Universiteta.*
 - Müller, F. K. W. & W. Lentz. (1934). *Soghdische Texte II. SPAW 21.* Berlin: Verlag der Akademie der Wissenschaften.
 - Müller, F. K. W. (1912). *Sogdische Texte I.* Berlin: Abhandlung der Preussischen Akademie der Wissenschaften.
 - Sims-Williams, N. (1985). *The Christian Sogdian Manuscript C 2* (BTT 12). Berlin: Akademie-Verlag.
 - ----- (1989). "Sogdian". *Compendium Linguarum Iranicarum.* ed. By Rüdiger Schmitt. Wiesbaden. Dr Ludwig Reichert Verlag. Pp. 173-192.
 - Sundermann, W. (1985). *Ein manichäisch-soghdisches* (BTT 15). Berlin: Akademie-Verlag.

References:

- Benveniste, E. (1940). *Sogdian Texts, Edited, Translated and Commentd.* Paris. Orientalist Library of Paul Geuthner [In French].
- ----- (1946). *Vessantara Jātaka, Sogdian Text, Edited, Translated and Commentd.* Paris. Orientalist Library of Paul Geuthner [In French].
- ----- (1955). "Studies on some christian -sogdian texts I". *Journal Asiatique* 243. Pp. 298-335 [In French].
- Gauthiot, R. & P. Pelliot & E. Benveniste (1926 & 1928). *The Sutra of the Causes and Effects II-III.* Paris Orientalist Library of Paul Geuthner [In French].
- Gershevitch, I. (1954). *A Grammar of Manichean Sogdian.* Oxford: Basil Blackwell.
- Gharib, B. (2010). *A Narration of Buddha's Birth, Sogdian Text of Vessantara Jātaka.* Tehran: Nashre Osture [In Persian].
- Hansen, O. (1930). *Berliner Sogdische Texte I.* Bruchstücke der einer Sogdischen Version der Georgspassion (C1). Berlin: Abhandlung der Preussischen Akademie der Wissenschaften.
- Henning, W. B. (1937). *A Manichaeon Prayer-and-Confession Book.* Berlin: Publisher of the Academy of Sciences [In German].



- ----- (1958). "Middle Iranian". *Handbook of Oriental Studies*. ed. By B. Spuler. Abt. 1. Vol. 4. Iranian. Linguistic. Leiden-Köln. pp. 20-130 [In German].
- Heston, W. L. (1976). *Selected Problems in Fifth to Tenth Century Iranian Syntax*. unpublished Ph.D. Dissertation. Pennsylvania: University of Pennsylvania.
- Livšic, V. (2008). *Sogdian Epigraphies of Central Asia and Smircia*. St. Petersburg. Faculty of Philology of St. Petersburg University [In Russian].
- MacKenzie, D. N. (1970). *The Sūtra of the Causes and Effects of Actions*. in Sogdian. London: Oxford University Press.
- ----- (1976). *The Buddhist Sogdian Texts of the British Library* (Acta Iranica 10). Téhéran-Liège.
- Müller, F. K. W. & W. Lentz (1934). "Sogdian texts II". *Session of the German Academy of Sciences* 21. Pp. 502-607 [In German].
- Müller, F. K. W. (1912). "Sogdian texts I". *Treatise of the German Academy Of Sciences* [In German].
- Schwartz, M. (1967). *Studies in the Texts of the Sogdian Christians*. Unpublished Ph.D. Dissertation. California: University of California. Berkeley.
- Sundermann, W. (1985). *A Manichaean Sogdian Parablebook* (BTT 15). Berlin: Akademie-Verlag [In German].
- Yoshida, Y. (1979). "On the Sogdian Infinitive". *Journal of Asian and African Studies*. 18. Pp. 181-195.
- ----- (2009). "Sogdian". *The Iranian Languages*. ed. by Gernot Windfuhr. London and New York: Routledge. Pp. 279-336.